

پس از شکست حکومت خود مختار آذربایجان، رحیم نامور شاهد زنده جنایات ارتش شاهنشاهی در تبریز شد!

"پیشه وری" تا آخرین لحظات با عقب نشینی موافق نبود!

از پنجره هتل محل اقامتش، اعدام‌های خیابانی، سینه بریدن زنان، تجاوز به زنان و دختران، بریدن سر کودکان و ... را شاهد شد. یادآوری و تعریف این مشاهدات، برای رحیم نامور پیوسته چنان رنج آور بود که ده‌ها سال پس از این جنایات نیز هر بار که این صحنه‌ها را به خاطر می‌آورد، بی اختیار می‌گریست!

رحیم نامور، روزنامه نویس مترقی، نویسنده، مترجم و عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران بود و سال‌ها در رادیو بیگ ایران - در کشور بلغارستان - در راه آرمان‌های حزب توده ایران و در راه مبارزه با نظام شاهنشاهی قلم زد.

وی که پس از پیروزی انقلاب بهمن 57، در سنین کهولت به میهن خویش بازگشته بود، پس از یورش جمهوری اسلامی به حزب توده ایران به کشور افغانستان مهاجرت کرد. او پیش از سقوط دولت دمکراتیک افغانستان، با قلبی سرشار از انسان دوستی، در این کشور چشم بر جهان بریست. سلسله تحقیقات رحیم نامور در باره انقلاب مشروطه، ترجمه به یاد ماندنی او از گزارش تاریخی "جان رید"، خبرنگار مترقی امریکائی از انقلاب اکتبر، تحت عنوان "10 روزی که دنیا را لرزاند" و مبارزه قلمی او با روزنامه‌نگاران وابسته به دربار، نظیر "سیدمهدی میراشرافی" و یا روزنامه‌نگاران جنجال برانگیز دوران جنبش ملی نفت "نظیر" احمد دهقان" فصل شناخته شده‌ای از فعالیت‌های مطبوعاتی رحیم نامور، بعنوان روزنامه نگاری میهن دوست است. آن گروه از نشریات و قلم بدستانی که رحیم نامور یک لحظه در افشای آنها از خود تغل نشان نداد، همان نقش و وظیفه‌ای را در زمان جنبش نفت بازی کردند، که اکنون در جمهوری اسلامی، نشریاتی نظیر "سلمچه" و یا روزنامه‌هایی نظیر "کیهان" و "رسالت" ایفاء می‌کنند.

پس از کودتای 28 مرداد، رحیم نامور در ابتدای مهاجرت ناخواسته خویش، پس از دستگیری "خسرو روزبه" و متلاشی شدن سازمان افسران میهن دوست طرفدار حزب توده ایران، مدتی را در کویت بسر برد. در همین دوران کوتاه، عبدالکریم قاسم، با قیام افسران مترقی عراق، زمام امور این کشور را بدست گرفت. رحیم نامور که از رادیو کویت خبر پیروزی قیام افسران را شنیده بود، بلافاصله از کویت خود را به عراق رساند. او در عراق، مناسبات دوستانه‌ای با کردهای عراقی برقرار ساخته و با ملا مضطفی بارزانی نیز بارها دیدار و گفتگو کرد. او در طول حکومت عبدالکریم قاسم، نقش مؤثری در ایجاد اتحاد میان نیروهای ملی و مترقی عراق و

زنده یاد "رحیم نامور" (عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران) در دوران جنگ دوم جهانی و تا دورانی پس از پایان جنگ، جنبش "صلح" را در ایران رهبری کرد. او در همین دوران و در زمانی که حکومت خود مختار آذربایجان در این منطقه برقرار بود، چند بار به آذربایجان سفر کرده و سلسله گزارش‌هایی را درباره فعالیت‌های ملی این حکومت تهیه و منتشر ساخت. آخرین دیدار رحیم نامور از آذربایجان، مصادف با آخرین روز حکومت خود مختار آذربایجان شد. او همراه برخی میهمانان و خبرنگاران که از تهران به تبریز و برای شرکت در جشن‌های سالگرد حکومت آذربایجان دعوت شده بودند، در حالی وارد تبریز شد که او باش مورد حمایت ارتش شاهنشاهی دست به قتل و غارت عمومی زده بودند. او بدین ترتیب و ناخواسته، شاهد و ناظر انواع جنایات در محلات و خیابان‌های تبریز شد. رحیم نامور در آخرین دقایقی که زنده یاد "میرجعفر پیشه‌واری"، صدر حکمت خود مختار آذربایجان در تردید ماندن و یا مهاجرت بود، ملاقات و گفتگویی تاریخی با وی کرد. رحیم نامور در حالی وارد ساختمان حکومتی و اتاق کار "میرجعفر پیشه‌واری" شد که اتومبیل سیاه رنگی در مقابل ساختمان حکومتی منتظر پیشه‌واری بود و او در اتاق کار خود، در داخل ساختمان، در حالیکه پالتوی سیاهی بر شانه داشت، در اندیشه "رفتن" یا "ماندن" در طول اتاق قدم می‌زد.

پیشه‌واری، با دیدن "نامور" متعجب از حضور وی در تبریز و در آن موقعیت خطرناک از او می‌پرسد:
«شما برای چه آمدید؟ مگر در تهران نمی‌دانستند همه چیز تمام شده؟»

پیشه‌واری در همین ملاقات به رحیم نامور می‌گوید:
«من می‌دانم که این عقب نشینی، موقت و تا آنطرف پل "ارس" نیست! پشت ما خالی شد. اگر تفنگ بین مردم پخش کرده بودیم، خودشان حریف ذوالفقاری‌ها می‌شدند. حالا دیگر از دست من کار بر نمی‌آید، می‌بینی که اتومبیل منتظر است!»

رحیم نامور پیش از حرکت پیشه‌واری، به کمک و توصیه او، با نامی جز نام واقعی خویش، به یکی از هتل‌های تبریز منتقل شده و سپس در جمع میهمانان و خبرنگارانی که به فرمان ارتش به تهران باز گردانده می‌شدند تا شاهد بقیه جنایات نباشند، از تبریز خارج شده و به تهران بازگشت. او بدین ترتیب، از چنگ ارتش شاهنشاهی و اوباش و تفنگچی‌های ذوالفقاری‌ها گریخت و جان به سلامت برد. او با چشم خویش و

بویژه همکاری بین حزب کمونیست عراق، حزب دمکرات کردستان این کشور و دولت عبدالکریم قاسم ایفاء کرد. رحیم نامور، سپس به خواست و بنا بر نیاز حزب، به بلغارستان مهاجرت کرد. او در بلغارستان، در رادیو پیک ایران (بانگ رسای حزب توده ایران) در کنار برجسته‌ترین کادرها و اعضای رهبری حزب توده ایران (بهرام دانش، نیک آئین، طبری، جوانشیر، گلاویژ، قزلچی و...) به مبارزه با حکومت کودتا و به مبارزه و فعالیت قلمی خود ادامه داد.

پس از پیروزی انقلاب، رحیم نامور بعنوان عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران، به وطن بازگشت و در شعبه انتشارات و تبلیغات حزب، فعالیت خویش را ادامه داد. این دوران از فعالیت‌های رحیم نامور، تا یورش ارتجاع جمهوری اسلامی به حزب توده ایران و مهاجرتی دوباره ادامه یافت.